

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوهستان

هیچ حزب  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ربال

شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۳۳

سال اول - شماره ۴

قل از روزنامه داد

## نغمه ((دیلی نیوز)) تهران؟!؟

داستان کامل عملیات ستون پنجم در ایران  
تهیه فرورد ۱۳۴۰ در جنوب ایران - مایر و تشکیلات  
«میلیون ایران» بکمک یک ژنرال ایرانی - چمدانی  
که ۳۵۰ سند داشت - سید ابوالقاسم گاشانی و نویخت

تالی که در واقع مرکز فعالیت ستون پنجم بود پیران وارد شد. این شخص یکی از فعالان زیر دست اداره غلبه آلمان بود و مازور ژولیوس بر تروند خولس نام داشت.

وقتی که نیروهای متعین وارد ایران شدند از دولت ایران تقاضا شد که افراد گولونی آلمانی مقیم تهران را بازداشت نماید. مبعده سه عامل میزبور موفق شده از بازداشتگاه فرار کنند و توانستند که خطرناک خویش را نجات یابند.

مبارکی که بدست آمده نشان می دهد که در یکی از مراحل فعالیت فرود گامی در جنوب ایران تهیه شده بود که هواپیمای های آلمانی بتوانند در آن جا فرود آمده و دو دسترس گاشانی که در شرکت نفت ایران و انگلیس همکاری می یابد درصه ۷

طهران ۱۵ مارس «رویتز» شرح کامل فعالیت ستون پنجم آلمان در ایران که از هر جهت شبیه یک فیلم موزیو بود میباشد اکنون برای بار اول از طرف سفارت انگلیس فاش گشته است. این داستان از ماه اکتبر سال ۱۹۴۰ آغاز میگردد. در آن زمان سرسخت غلبه آلمان دو تن از فعال خویش را موسوم به رومان گامونا و فرآه مایر به ایران فرستاد که با وضعیت این کشور بنظور فعالیت مضمی و شرابکاری آمیخته آشنا شوند.

در آوریل سال ۱۹۴۱ یک شخص

آمریکاییان و کلا بوخامت اوضاعی برده اند خوب است نتیجه های از اسامات می مردم را که روز بانهدم اسفند خود را نظر آن بوده اند به خاطر یاروند. نیگولیم بنام حفظ مصالح کشور بلکه میگویم برای حفظ جان خود و برای بلای حیثیت طاهری خود از این روهه دیرین دست بردارید. نیسی بیش از هر دوره نمایندگی را صرف تهمین نظریات خود ندوده اید پس است! این نیم باقی مانده را افلا بکسر مسلکت باشد.

در این روزها که سر نوشت و مقدرات ما باید تعیین شود و باید از نتایج نادره ای های خود برخوردار گردید وقت خود را صرف تصدی خوده حساب نکنید باز برای پارلمانی را قدری کنار بگذارید از نتجت و بی ارادگی خود جلوگیری کنید. - متفق الرای شوبه از مردمان صالح و مومنین پرست که امتحانات خانی داد مورد داشتند مردم هستند دعوت کنید یابند ، زمام امور

## افکار عمومی مجلس را معقول میداند

چندی است صحبت موقوفه مایه جدید آغاز شده. در هفته گذشته این مسئله طوری صورت چندی بهبود گرفته بود که مردم آن نظرداشتند تکلیف دولت بیکسره خود. بیات برود و دیگری بجایش تبیین گردد ولی این بار نیز مجلس بملت تشتت آرزاه و همم توانق بی بدستجات پارلمانی برسر انتخاب رئیس دولت جدید موفق شده باین بلاکلیتی دولت و سلکت خانه دهد.

هناطوری که گزارش خود شده این تشتت آرزاه در مجلس این بلاکلیتی دولت زبانیهای غیر قابل جبران برای ما درخواهد ایش و بر برای جلوگیری از هریشی آمد زبان آردی لازم است دولتی صالح ، مورد اعتماد مردم و متکی با اکثریتی قوی و با دوام هر چه رودتر زمام امور را در دست گیرد. ولی آیا چنین دولتی بوجود خواهد آمد ؟

آنان که روحیه و کلاه آشنا هستند و از زده نهای داخلی مجلس مطمئن نمی دانند اقدامات ناپایه کناره بر چه اصولی متکی است بوجود آوردن دولت صالح و قوی را خارج از ظرفیت و توانایی - مجلس کنونی میدانند. فعالیت مجلس چهاردهم در اقدامات ناپایه گان هم مؤید این عقیده است.

نتها اشخاص مطلع مسلیسان را باطوور تفاوت میکنند بلکه افکار عمومی هم مشغول تمام خرابیها و بدبختیها را مجلس میدانند. مجلس هم تا جبال عمل که خلاف این نظر بیا ثابت کند از خود نشان نداده است.

هر کاینکه بر سر کار آمده روی زد و بند و نظریات نامعوس بوده هر روزی که انتخاب شده برای اجرائی مقصد و کلا بوده و تا موتقی که توصیه های و سفارشهای آنان را پذیرفته مقبول بوده و هر آن که ترسناک از مدهم انجام مقاصد های آنان بر آید بدون توجه بدلیل و منطق ، علم مخالفت و یا برائش است.

دولت ها چرا بر سر کار آمدند و چرا رفتند ؟ هیچکس علت آرا برسیه ، و کلامم دلیلی بیان نکردند زیرا بافکار عمومی وقتی نگذاشتند حفظ سلکت را در حفظ منابع و نظریات خود دولت را عامل اجرائی آن میدانستند. حفظ مصالح کشور و توجه با مکار عمومی برای نمایندگان دو درجه دوم و سوم قرار گرفته.

هر آرزو است برای کسی که بیگانه خود را نماینده مردم بخواند مصالح کشور را در نظر نگیرد، از نام نمایندگان استفاده کند و بافکار موکلین خود اشرام نگذارد.

امتناعاتی که کلاه دولتی این مدت داده اند برای شناسایی آنان کافی است. از خودی و بیگانه به خدمت و مبعیت هر یک از آنان می برده اند. عهد ای را مترجم بشمارند بقیه را حامی و وکیل می مکل با تحبیلی وی اراده میدانند. و اگر تاچمال باقیانهار است و تشتت و تزلزل داده این فرست این بار مرمون روح گذشته ملت داشت ولی حال دیگر برده از روی اسرار برداشته شده ، کاسه صبر مردم لبریز گشته و دیگر تاب برداری بیش از این باقی نمانده است.

# دوره مجلس شورای ملی

کنند و بسم تنبلی تبیین که ای داد —  
میبد دود که دولت ترانه هیجوت حساب  
۱۶۵ میلیون تومان بودی که برای خواری  
گرفت است بخواهد .  
آها اکثریت کیسیون داد گسری چه  
خواهد گفت

اگر سؤال کنند مثنی است کیسیون  
مجلس برای رسیدگی بنیشتی که چه کلا  
خورد آن وقت علیه رخ داده و پرسیده را که مورد نظر مسهین  
بوده از این برده به از طرف مشن بیته مهیاد و چند نفر از آقایان  
شکور ماسخ وغیره جاهت را مترن وانست بر فراشی نایته چگون  
باست خود خورد اولی شهر مهیاد که سمال است با اصل معراج  
را بود برای کیشک و از جهان کدشتگی بدون هیچگونه که خود  
مأمورین دولت را حفظ و مقرات اوسر دولت مطلع و وفاداری خود  
را ثابت نموده اند همین کیشک را در ارضی داشته ای که بعد از آن قنیه  
متعلق و انقیاد را هرس مینایته میتواسرش کرده که هر گاه قاضی  
مسعد در مهیاد مشور داشت چنین و آنه رخ لیداد و بعد از مراجعت  
از اراضی بطور کامل بر قرار کرده نگرانی بانی نشتی ظاهر انقضای  
آن بوده که پیشرسید مسهینا سمرودی پول روزانه کیوان دو  
کار بوده با هنوز معلوم نشده است حسن مسهین مصطفی داودی  
علی حسینی رحمت هاشمی مدرس صالح زاده مفتی کریم خسروی  
امیر عباسی اسداله ای میدالی حسینی حیدر داودی مسهین سستی  
میدال حکمران داودی، نادر مصطفی سلطانیان وزیر صدقی  
شور مسودان مسعد امین شریعی میدالی .

دوره روز بگفته ۲۰ اسفند پس  
از اینکه آقای وزیر دارای دو لایحه  
یکی راجع به اراضی تبر و دیگر راجع به  
گرفتن دویست میلیون ریال برای خرید  
احتیاجات وزارتخانه ها قدیم نموده آقای  
سید مسعد صادق طباطبائی رئیس مجلس  
عرض مینماید با اظهار تامل از این جهت  
اسفند برایش اظهار داشته این طور که  
پنجه از بیانات امروز دولت مسهین  
استنباط کردم آقای دکتر مصدق نظر مسه  
سید مجلس ندانده اند .  
سید آقای دکتر مصدق نظری ابراه  
نموده گفت :

یکسال از عمر مجلس میگذرد اگر  
سؤال کنند در این مدت چه کرد جوانیابی  
است که نام وقت بیکار دکتر میلسو —  
گذشت و برایش از نامه های که لایحه  
گرفته و بنام من مکتوب شده و شکر و پاره  
و بیخ و ریخته نموده تا می توانسته از او  
حایت گرفته و مردم را از ایستادگی —  
مجلسی ترسانید و در کار مملکت را بصورتی  
در آورده که وقتی دکتر رفت لایحه  
خرانه خالی و میلهار ها ریال فرس چیز  
پنا تحویل نکرد .

اگر بیرون است که چندین ماه اسفند  
اعلام جرم بر علیه سپهبدی مجلس  
داد شده که چهار تنی آن مربوط به انتخاب  
مهرضا - بند عباس - ناس و آذربایجان و  
پنج تن راجع به اختلاس سال ۲۰ هزار تومان  
از مصالح تازه شهرزاد و آجر گزوه . بر  
خانه در زمان وزارت کشور خود همدین  
مربوط پیران دو و پنجاه وزارت خارجه و  
هنسی که دولت مسهین مطابق اصل ۳۴  
قانون اساسی بر ریاست مسهین تقدیم شده  
و فعلا از ذکر موضوع آن خود داری می  
کنم تا بعد بلاتکلیف مانده و کیسیون --  
داد گسری تا کنون نقیاً یا اثباتاً گزارشی  
نداده و اورا طوری جری نموده است که  
نایته کن و وظیفه شناس امروزه میسند  
کیسیون داد گسری چه جواب نخواهد  
داد ؟

اگر بگویند برای نیستی که به تبیین  
توجه بگیرند ۱۵۰ هزار تومان رشوه و  
بهدتی نیستی مکتوبی در تبریز داده اند .

چرا اکثریت کیسیون داد گسری تمام  
پرونده ها را از وزارت داده گسری نخواست  
که از روی آنها گزارش جامعی تنظیم

## از سلدوز

جواب نخست وزیر و روابط وزارت کشور در وقت جناب  
آقای فیسی وزیر مشاور و نوشت آقای صدقانی نماینده شیرستان  
مهیاد روزنامه کوهستان چون در اطراف و انچه اخیر مهیا کارش  
های که بر سر کوه رسیده که هیچ کدام حقیقت ندارد معنی کشف حقایق  
جستار می نماند؛ در تاریخ ۲۶ بهمن معناد اعالی مهیاد وغیره در  
از زمینیک زده عزیزان ناشانی آمده اند چند نفر ما را جواب می گویا ساقه مأموریت  
دولت برای اذین بریدن روزه های بخشیدن برای شکر بواسطه تنبلیت  
نیر هارند و تقلبات بسیار مهم که در شهر بانی توفیق بوده میتبیکه را به  
خرابان بهادری برده با پاسایی برای جاو گیز از جمع خلیف کرده و بعد از  
نام را منتول و مسهین از اوضاع مستفاد کرده به پهریانی هجوم زده و  
خورد آن وقت علیه رخ داده و پرسیده را که مورد نظر مسهین  
بوده از این برده به از طرف مشن بیته مهیاد و چند نفر از آقایان  
شکور ماسخ وغیره جاهت را مترن وانست بر فراشی نایته چگون  
باست خود خورد اولی شهر مهیاد که سمال است با اصل معراج  
را بود برای کیشک و از جهان کدشتگی بدون هیچگونه که خود  
مأمورین دولت را حفظ و مقرات اوسر دولت مطلع و وفاداری خود  
را ثابت نموده اند همین کیشک را در ارضی داشته ای که بعد از آن قنیه  
متعلق و انقیاد را هرس مینایته میتواسرش کرده که هر گاه قاضی  
مسعد در مهیاد مشور داشت چنین و آنه رخ لیداد و بعد از مراجعت  
از اراضی بطور کامل بر قرار کرده نگرانی بانی نشتی ظاهر انقضای  
آن بوده که پیشرسید مسهینا سمرودی پول روزانه کیوان دو  
کار بوده با هنوز معلوم نشده است حسن مسهین مصطفی داودی  
علی حسینی رحمت هاشمی مدرس صالح زاده مفتی کریم خسروی  
امیر عباسی اسداله ای میدالی حسینی حیدر داودی مسهین سستی  
میدال حکمران داودی، نادر مصطفی سلطانیان وزیر صدقی  
شور مسودان مسعد امین شریعی میدالی .

معروفت پارلانی اسفند نکند و بلاترنگ خود را تسلیم داد نامه  
آوروی که بکنند و کبیل ماسه و مسکونده کار ماسرح میشود  
ولی نوسر که با این مجلس ابتکار نمیشود .

دولت روز هفتم ۲۲ اسفند طرحی بدین مضمون با قید  
دوفوریت تصویب شد .

در ای رسیدگی بر اشته روز هفتم ۲۳ اسفند ماه ۱۳۲۳  
وتبیین مسئولین علیه کیسیون بر کباب حلت نفر بله فرهنگ انتصاب  
میشود و این کیسیون مکتف است گزارش خود را تا روز شنبه —  
پنجمین ماه مجلس شورای ملی تقدیم دارد . « آقایان جناب —  
لیوزآبادی - ذوالفقاری - مصدقی - هاشمی - اروه و دیگر منتهی  
انتخاب شدند .

انتصاب ناظر بانک هم در این مجلس عمل آمد و قرار شد که  
نیجه مجلس به دستور خود شود .

آقای فرهودی سوزلی از وزیر پیشه و هنر راجع به سوء استفاده  
حالی در حدود ده میلیون ریال در کوهخانه کیسیون نموده آقای  
وزیر پیشه و هنر ضمن تصدیق باینکه سوء استفاده های همه اظهار  
داشتند کیسیون که برای این کار تبیین شده بودند چنین گزارش داده  
اند که سوء استفاده های از طرف کیسیون سحابداری کوهخانه عمل آمده  
و فعلا هم متداولی تحت تنبلیت دیوان کوه میمانند .

بقیه لایحه بود و از راه مطرح شد ولی بازم مجلس اکثریت  
افتاد و بهیله شد .

دولت هفتم ۲۴ اسفند آقای جان امینی نیل از دستور  
راجع و آنه ۵۰ مسهین سوزلی بنگنایته پارانند از راه رای ۴۱ کرد .

از بعد خود مدلترو خواستند .

نتیجه ۳۸ راجع به انتصاب ناظر بانک فرات شد آقایان  
مهرزاده ۳۸ رأی ۳۰ - اردلان ۳۰ - نوی ۵ - شکر کاغ ۲ رأی

داشتند ولی چون اکثریت حاصل نشده بود معناد رای گرفته شد و  
اعلام نتیجه بهیله بهیله مکرر شد .

مرخصی معنادی از زمانته کان مطرح و تصویب شد و آقای سید  
مسعد طباطبائی راجع باینکه حاسبه ای اوبالفاصله کاهانی و تلگرافی  
که راجع به ایشان از اشخاص مختلف رسیده بود بیاناتی ابراه کردند  
لایحه بود و از راه مطرح شد و بازم مجلس از اکثریت  
انتهاد و منتهم شد .



پلام آقایهندس نورچشم

پلم ش ۱.

## ملاعسل

نقرا از میله تراوستوری

یکی از روزهای گرم تابستان بود. من از اتوبوسی که رسیدم اداره ام را می بیود پیاده شدم در حالیکه پاندمهای نسبتاً تنگی بظرف نامرئیتی روان بود ناگه احساس کردم کسی رانگامه میکند سرخوردن آهسته بلند شدم متوجه شدم که جوانی از اتوبوس بسیار شکی پیاده شده خیره خیره مرا میگرد. او جوانی بود بظاهر آزارت و خوش اندام ، دارای چشمان آبی و رنگ جلایب هرچه نامرئی طیبیه. حرکت او طوری بود که من تصور کردم او میخواهد با من حرف بزند. در این هنگام که همان اختیار از گلم ریودشده بودم در لحظه که چشمان ما بهم دوخته شد قلب من باعدت ضللی خوشی تشبیه کردم. بعد از آنم و نخستین راه را پیش گرفت بسوی ناموریتش روان قدم.

من از طرف ستر پرسون ویسی اداره ام مامور بودم که ای را که من بداند بود بهیچ برسانم وقتی کلای خود را انجام دادم در مراجعت از همان صحنه گذشتم باز چشم بیهان اتوبوس افتاد که دوراه دیده بودم. معنی آنرا نگرستم. برای بازوم آن جوان را دو مطالب دیدگان خود مشاهده کردم پیش خود فکر کردم آیا او کیست و در اینجا چه میخواهد ؟

ناگفته نماند تاکنون چنین صحنه ای که در اثر مشاهده تمبیکل و تپانه آن جوان درم انجام شد بود درخود تجربه بودم.

اما مختصری از شرح زندگی خودم.

ما دارای زندگی منفری بودیم. پدم دارای لاشتی بلند و ریش سرخی بود ، مادرم زنی بله گو و چاق بود ، برادر می داشتیم و پلام نام پدر خودم است. ما هر دو هم بطوریکه دینک هایر میگفتیم دختری خوشامرز بود برای گیوان پلام بودیم و اغلب او بن میگفت تو بیشتر به پرسس شهامت داری تا یک دختر منسولی. بدینکهایر دوست صمیمی من بود که از کودکی باهم بزرگ شده بودیم. منزل او در بوریو منزل ما واقع شده بود. ما دو ایام کتبی و هیبه روز های تعطیل با یکدیگر به یک یک و تفریحات دیگری می رفتیم. در هر کارای من یا او مشورت میکردم حتی او را از پدر و مادرم بخبر میفرستادم و کاری را بدون اجازه او انجام نمیدادم.

او سرابراه دار بود. پرسون که حالاً در آنجا مگر میکنم از همانی کرده و در وقتی با دانه تقوین و شراب میهم می نمود تا بالاخره در کارهای خود ماهر هم بطوریکه پس از آنکه زمانی مسالوت ستر پرسون من و آنگاه در و بیشتر کار های مهم اداره را انجام می دادیم.

امروز دو مراجعت از اداره تمام نکردم متوجه جوانی بود که دوراه دیده بودم و دردمند بودم در مشورتها و چگونگی این احساسات او و در ایامی که او حل این موضوع عاجز بودم و تصمیم گرفتیم مانند همیشه این مطلب را هم برای دینک تفریب کنیم و علت انقلاب خودم از او جویا شوم. در این خیال بودم ناگهان دینک از دینک که از سوری دیگر یکبار خیابان چنانچ من میباید سلامتی کرد و بصورت من غیره شده در یک گشت و گشت مسایحاً انتان افتاده که نامطور خوشحال بنظر میآید. از شنیدن این حرف فرسودم از شدت غمگین بر آوردمه شد و در جواب گفتم از کجا ایبهی که اینانی برایم رخ داده است ؟ دینک پس از لحظه گشت از ملام خوشحالی که بر چهره ات نوداراست و اضافه کرد که تاکنون من

تپه درمنه ۶

امید بسوی شما دوخته انداز آنها نگذارید کنیده.

بنه عالی آنان را تحویب نمانده تمام دهه آناه گردد و استفاده های بیشتر خود و هم را میهای شما از این فقره مسکت برهنه

## کشاورز ایرانی

سفازی که از دهات ایران بر میبرد کرد - اگر از مواد نامنوع دوستی بر کنار باشد - لظفاً تو شاه ازانده و ملام باخود خواهد کرد و شاید و بایزه ارضای خود احساسات نمانند دولت امور خدایا ناظر و حکم بچن خود و وحیت قرار دهنه و راضی نشونه ذراع بپشتی که با پیچاوری و بصل دینج و ملام روز و عش کار میکنه حکم سیر بخود میده و برای ستر عورت معطن و در مانده باشمچرا این افرادی که مولدین اصلی ترونه تا این دوچه در مانده و بزرگ شده باشنه. چرامان گوه و سینه دهنه که کانون نشاط و فرح است بر کرد سخن و استردگی بدل شوه. چرا در مقابل تحمل اینبده منتقت شب و روز ذراع به نشونه ذراع میگذرد اینها همه معلول بی سربهای مالکین و عدم توجه آنهاست ما بیگونی روزی ذراع و دهنه و رنجبر قادر خواهه شد در مقابل از ایان خود - عرض اندام کنه ولی میگویم دست تهرای که زندگی ما مبارزه او میگذرد روزی لانی این بر عدالتیا را خواهد کرد بی اختیار بیای ما را جواب خواهد گفت

آسیبان مالکین ، چگونه راضی میشوی عزیز مرد ایانهای شما با هزاران ناز و مست با آرزوی و مشول انواع توجیبات خود و در دبه شما لرونه دهنه و رنجبر خاک شب گرسنه بسواب روه ، در اعل گرسنه بزرگ خود و بایساریهای مختلف هر آشوش باشه و آخر راه پستی پیش گیری.

ما حاضر که در زمان شاه بیومود سهره لرونه و حیدت ستهی نیز برای پدر و مادرم خود عزیز و دوست داشتنی است. محبه لنبواله میان فقر و غنا فری گذارد.

آسیبان مالکین ، این عشق و هوشی که که سایر با مسایره و ولتی گوارا و دلنشینی است که برهه گنهایز در هکنه و آزار نمانده و روز کار تمام نیز با انده و ملام نگارده و الا این عشق تهرابال جان و مال است و آخر بر سوزانی میگفت.

من همانم سوخن دیگران چگونه مینواله ما به عشق و لغت ما نمانه و رنج افراد مشر چطور و شاه راضی و حضوران میشود مگر حدالی نیست مگر ما بسکافات و مدها و مدها و مدها قابل نیست مگر دلهای ما را از سنک ساخته اند که با وجود مشاهده مشقات و ایام دیگران راحت بپشم و بخود برستی مشول با هم

دهات را بصل خود نگذارید لغری توجه کنید ، بصل رهنه بچاره رسیدگی نمانده این گروه مردم ز مستسک چشم کشاورزهای ایران جای گرفته است میباید بدست بردارن ما سهران آنان پس مالکین و باربان دهات افتاده شد است زیرا این دسته که وظیفه اصلی آنها ارضاء و معذات طایفه ز مستسک و ضعیف است هیچگونه علاقه ای در این باب بروز نداده و از اینرو قدا دهات ایران ویران و کشاورزان آن در فقر و تنه بسر میزند.

این مردم علاقه و عدوتی به موجب شده است که از طریق ما از اوضاع کلیه کشاورزی بی بهره باشند. زحمت آنها باستانی که بدست میآورند هیچ منتاسب باشد و یا این لاشتی که همه ناظر آن هستن سیر برهنه بنابر این تصور میورد اگر مالکین روزی بشکر آذنی و صهران دهات خود افتند و نصیحتی قدم باید عامه های شهری را ترک گشت و بسوی دهات پشیمانته که اجوا سال

# گرد و کردستان

بسی از مشهورترین میکرونته که زبان طویلی از به زاکروس، «آزی» بوده است ولی زبان آزی تاکنون معلوم نشده که قسم بوده است زیر اهنوز مدرکی بر زبان بدست نیامده است. مگر اینکه در آذیت چیزی بدست یاید که این مشکل را حل کند. بنا براین ما باید از زبان اگراد قسمت آذواتی نامر نظر کنیم و در اطراف زبان طیف دوم کرد، که اگراد خاورروهن - ( مادها ) صحبت نامید - ( دادسی تر ) مولف کتاب «تیمانت ایران» منبوسه که زبان «مادها» همان زبان «اوستا» بوده. ولی تاکنون مدرکی بر زبان سادی بدست نیامده تا با اوستا تطبیق شود.

( استرابون ) جغرافیدان یونانی که در اوایل قرن اول میلادی متولفی شده در اطراف قدیم «منبوسه» که پارس عوامه، زبان همدیگر را بپوی میدانسته پس معلوم میشود که زبان «پارس» و «مادها» خیلی نزدیک بهم بوده اند. مانده زبان «پارسی» که «کردی» که امروز «اتوگرانی» یعنی علم غوبیت، موبه این تست است. (فرهنگ درمخ) تالیف خودتیر هم این موضوع را کاملاً روشن میکند.

اکثر تواریخ هم معصم ایند با اینکه زبان (مادها) هیچ زبان (کردی مگر) بوده است چنانکه (زیدروستا) که بر زبان سادی نوشته غلیلی ترده یک بلجه مگر است. و یا همان زبان مگرسی است این نظریه (لطف (پوارت) و (داروستر) بوجهی دیگر از مشخصه تاییه شده است و نتیجه این است که زبان اوستای زودقت زبان قدیمی است. (باز پارس) آن دوران دوره همان زبان بوده که در آذات برسی است. (استر پارس) نوشته شده است تفاوتی که در اکتشافات اخیر حاصل شده همین است که کردها عیال زبانی از عربی زبان در این خود نگه داده و شکل زبانی خود را حتی لغت و صرف حفظ کرده اند اما بیکی زبان فارسی که در این قسمت به سرحد افراط رسیده است. و رابطه خود را با اصل فارسی قدیم بدست کرده چنانکه حالا نوشتن کامل بر زبان کردی ساده ای است. اما بر زبان فارسی ساده چندان آسان نیست حتی در کردی اوزمانی که در کوهستان و ارم (بویهر ترانسته) رابطه خود را با اصل زبان کردی حفظ کنده برای

(استرابون) در تاریخ قدیم ایران منبوسه که از کتیبههای دوره هخامنشی و زبان پارسی قدیم. چنان مکتوف منبوسه که فارسی قدیم برای کتایت و نوشتن فرایج دولتی استعمال شده ولی در مکالمه همان زبان بپوی مرسوم بوده است.

ملانی قدیم و زبان (اوستای) و (سانسکرت) هر سه از زبان متنی (آوی) منوله شده اند که اصل زبان آزی معلوم نیست چه قسم بوده است (زبان بپوی در اواخر دوره هخامنشی مورد استعمال پاینده در دوره «پارت» و ساسانی نیز مستعمل بوده است. علاوه برمادزاک اوزمان که بالا ذکر شد یک مدرك دیگر خیلی کهنه در (قوم) از تواریخ مصر پیدا شده که زبان بپوی است. متخصس زبان اذیت (زبان چهار شبهه) اند - ۱ - کرمانج - ۲ - گوردان - ۳ - لر - ۴ - گهر - هر یک از این چهار شبهه یوز به چندین شبهه دیگر منشب شده اند که تیزیز با داده (مادها) منابع جمله و فرات تا خلیج فارس لغتور زبان کردی بوده است و سر کرد این زبان اول (آذرات) به (زا کرد) بعد از آن (اسپهان) سبسی (پاراند) بعد (تنگه) این چینی همدان کنولی پتروفتی هم (تسون)

یعنی معانی بوده است بنابراین ما متوالیم بگویم که لغت کردی در تمام ولایات ایران قدیم (کاسکندر مکتوفی بر آن حکمرانی کرده است) هویت داشته است - در هر حال اصل زبان کردی غورستان بطورخصی همان زبان (مادها) اوستایی است که اصل وریشه آن زبان آذری نامی است که آذرا زبان (اقرالی) گفته اند که پدر تمام (بانهایی ماهی و هندوی وپارسو) جمله است که تقریباً سه هزار سال پیش از میلاد مسیح آمده با آن مکالمه کرده اند و بعد ما منطبق و مختلف شده است و تغییرات پیدا کرده است زبان پارسی قدیم هم منطبق بهت شبهه است - ۱ - بپوی - ۲ - دوی - ۳ - اولی - ۴ - مگرسی - سندی - ۵ - هروی - ۶ - پاشویی کله (پله) در فرس قدیم یعنی شهر است که در کردی هم (پاله) میگویند.

فرسای هم که اسپهان و نهبان و همدان و سایر پانختها را بپله گنه اند همین منی را و تا نهم میگنند کشتی گیران و افاضی اورومند را هم که بپولان میگویند همین مناسبت است که آنها در ساین حافظ و تنگهان شهر بوده اند از سه دشن مانده پاسوان با عوان دوران و اشن آن کشتی را هم که در کردی پالی میگویند با پینه است که پوشیدن آن اختصاص باهل شهر داشته از تمسیر بلد مگور روشن میشود که زبان بپوی از زبان شهری است که اهل شهر و در باوبان آن مکالمه کرده اند بیکی زبان دردی که منسوب به دوشه با دوه است که یک دوی را نیز همین مناسبت دوی میگویند که با گسک کوهسار غلات دارد

## آگهی ضرورات

بتاریخ ۱۳۲۳/۱۱/۱۲ آذای مرتضی (مفلودی) بنشنامه شماره ۱۹۹۹ طین تازمانانه شماره ۱۹۸۰ مورخ ۳۰/۳/۱۳۲۳ باستانه یک مرکز هکاه و روبرهت هفسانه تخاصی گرومانی حصر وراثت لوفه بدین توضیح که مرحوم حاج علی (مفلودی) در تاریخ هفتم آذرماه ۱۳۲۳ در تهران جایگاه هیشگی خود فوت و زمین و اهوره متولفی منصر بپوی سر بنام مرتضی (مفلودی) منقشی و آقایان حامدی مفلودی بنشنامه شماره ۳۶۸۱ و سیف اذ مفلودی بنشنامه شماره ۲۵۷ و منوچهر مفلودی بنشنامه شماره ۱۲۹۸ و دینار دختر بنام بانوان هک گشتی حسین بنشنامه شماره ۱۹۸۵ و فرح ایزان مفلودی بنشنامه شماره ۳۸۰۸ و بری مفلودی بنشنامه شماره ۱۹۵ و یک عیال اسی بنام پلو عسری حسین بنشنامه شماره ۱۶۶ غراختش در نبرنده و نه دیگری نداد و دوی از ششین گرومانی گرومان مرتاض سه لوب متوالی ماهی یکبار و سیل وسیل وزارت دادگستری و روزنامه باطالع موزمب رسانده که هر کسی است بتقاضای مزبور اعتراضی دارد دردمت - مرفوم تقدیم بلا پس از افاضی مرفوم گواهینامه صادر خواهد شد و نیز در صورتیکه وصیت نامه از منوی تردگی موجود وتا این تاریخ رسا ایراد و انتیاج نشده در همان وقت بهادگاه تسلیم نماید و به از گذشتن وقت مزبور هرصوبت نامه غیر از دسی و سری ایراد خود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

دهنی کاه گاههای بخش نیران اسلمی اهری

## افکار دانشجویان

## ماله عسل

پیشه ارسلحه

ترا اینطور بنشان ندیده بودم ، آیا این تعجب من حلیت ندارد ؟ گفتم اگر حادثه کوچک زامعی بیکم خیلی اسامه دینک هوخالی کت بن نگاه میکرد گلت سلیا کامه سادته زود بگو ، دو جواب گفتم دینک برابم املاتی رخ نهاده است بلکه قلط با بری روی برو همدم در این لحظه مشاهده کردم که صورت دینک بکلی تغییر کرد .

دو حالیکه دستهایش را در دست گرفتیم گفتم اوه دینک مه اسرار درونی خود برای توابی کوپیر ولی امروز از تو میخوانم که راهی بن نشان بدهی و مرا از این اسامات شده که از نگاه آن مرد خوش اندام باجشان آبی و نیکش درمن ایجاد شده برهانی در این موقع نزدیک منزل مارسیه بودیم . دینک روی سکوی منزل تکیه داده پس از لطفه ای چنین گفت : سلیا داستان خود را شرح بده ، او را جزو بدی و چه شد گفتم دینک هیچ ، حتی ما با هم کوچکترین صحبت هم نکردیم ، اصلا اسام را هم نپندام قسط او را دیدم که از او توبیلی بیاده شد و مرا نگاه کرد .

دینک پس از لطفه ای سکوت رو بین کرده گلت سلیا آیا اسامانی را که نسبت بان جوان پیدا کرده ای هیچ نسبت بن پیدا کرده و دی با لشدنی جواب دادم آه دینک تو توبین رفیق من و برادر بزرگ من هستی ، در این اتا درب منزل گشوده شد مادرم دیتال مآدمه بود و برای صرف ناهار دینک را هم دعوت نمود دینک هم قبول کرده بام داخل مرل شدیم .

گفتیم که اضافی نادبل همه دور هم جمع بودیم و غذا میخوریم من اسام کردم که آنجنس را بیش از همه دوست میدارم . پس از میرا خواهریم گفتم ، بر میز روی میده منتم غنمکننداری کردم حال نوت شاست که نظر نهارا هسته و توبینانید ، آتش پدر و مادرم باما میآید من در جواب مادرم گفتم بشر پادر باید بهرسم برود بشرتا استم خلا بخوابد سیمس میرا هم از رفتن خودداری کرد . دینک برای اولین مرتبه دهرستن و توبیز کردن نظر لها بن کسکی نگردوس از اندک تاملی پایبجان تمام گفتم سلیا من کاری دارم باید متنا بروم این جالبه و وقتی ادا کردم من صورتش را بکلی متغیر دیدم .

آتش مناسب کسین جوان و خاطرهای شیرین که از همبیکل زیبا و اندام متناسب و چشمان جذاب او درمن ایجاد شده بود مانع خوابیم شده ، دور جید دیک بن تلان کرد و گفتم سلیا آیا سالیی اشب و برای وقت به تل کیتوبن برویم ؟ من پیشنهاد او را پذیرفته مشغول لباس پوشیدن شدم

## چاپخانه کشاورزی

تلفن ۸۷۶۷

آقای موس خان زرزا پشانیکی طایفه زرزا و آقای کلا رحمن پشانیکی طایفه ماش عهده دار جمع آوری هدایای لامبره شده اند .

از طرف استناداری هم وعده داده شده اقدامات لازم برای تلایب دیر و آموگار وتپه ای تئیه پیل خواهد آمد .

دانشجویان در پشت دیوار های آهنین دانشگاه مواجعه با فکشت و ناکامی است .

دانشجویان با ناسانی بر این پشیده اند که سقوط کاپنه ها و ایجاد جبران های بی دریغ بران کنور ایران و موقعیت سیاسی است بر سر کار آوردن کاپنه ها و برکناری کردن آن ها را بدون نایب خطاسوعیت مسلم نبایدگان خواهیم داشت وزیر و وزیر کلا موقتی در نظر ما معتبر است که بنایبج ایران بنده احترام بشکرد ولی هینکله نویسیم نظریات تخصصی در کار است قیام می کنیم و با اجازه گشتامی و بازی کردن با نروشتنیک ملکیت را بکسی ندیده هم هیچ قدرتی هم در مقابل ما یارای هرس اندام ندارد .

حکومت دمو کراسی حکومت ملت است ولی مردم ندانند افراد ملت بطور مستقیم در امر حکومت مشکل بود و تولید هرج ومرج می کنند حق سادکیت خود را فراموش نمایند گان منتصب خود اعمال می نمایند اما وقتی که نمایندگان هم قادر بنامین منظور فوق و دفع هرج ومرج نبوده بلکه برعکس خود باعث آزار و هرج و مرج گردند یافته دیگر آنها را برای چه میخوانیم در این موقع که مقدمات تغییر کاپنه فراهم میشود و دست ناپندگان در انتخاب نصرت وزیر آینه دقت بیشتری بنمایند تا اینکه بعد از چند روز جوهر و بیغالت با او نشوند و الا این ترتیب که متجاوز از سه سال است اجرا میشود مایه تنگ است فریون منتهم وزیر داری دانشجویان است سوم قضای دانشگاه حلقو

## اخبار داخله

پیشه ارسلحه ۲

بانصهار شان بمانشی از طرف انجمن فرهنگس ایران وهنه داده شده .

بنسابت در گذشت تالسوی بوستنه شوروی مجلس یادبودی از طرف انجمن روابط فرهنگس ایران و شوروی دردموز ایران باستان برقرار شده .

\*\*\*

هدای از روسای طوایف زرزا و ماشش برای ایبات مراتب دولت خواهی خویش با ستناداری استادن چهار مراتبه و اولادتمندان دعوت نموده اند تبه قدر توانمی خود هدایای تقدیم کرده اند تاز جمع این هدایا که دستان تلاش و لاسه و سبیکل اول دبیرستان در اوشوه تاسیب نایند

آقای دکتر اردلان دبیر محترم روز نامه کوهستان خواهش منم شرح : «چرا در آن ۱۰۰۰ گران امری روح فرماید .

اقدام وطن پرستانه دانشجویان در روز ۱۵ اسفند که نظارت ایستاحاسات پاک و بی آرایش آنها بود از قمار معلوم دوشنی لا محال ایجاد نگران کرده در نتیجه پارامی انقضض تهرماه زهر آلوده اعاتباری بسوی مارتاب میگشاید یکی مارا کورک بهر خوانه و دیگری آلدستان مینه رد اولی آنها حافظه که با این حرفها هلی رفش منظور آسان آتش احاسات ما بیشتر شلمه و میشود .

ما کورک بستیم . کورک آن کسانی هسته که در چنین موقعی که زبان بهر چه انضاد دارد ، در نه میخانه آلدستان داغی دوست کرده اند کورک آنها کشته می یون توجه با وضاع دنیا سرگرم منابع خصوصی بشود و نه با هر دولتی که فورا تقاضای نامشروع خانوار بر نیارود ، مخالف میشود و دیگر او را بهر خوانه .

ما هر کرات دست نخواهم شد اسام خطر انضادال ایران ما را وادار کرد پس لا اسامال ناشوسی سکوت را شکسته وارد مبارزه شوم سهام ناظر خرابکاریها و شیخ شب باجهای و دیگر کتاب تحمل ندارد کاسا میرا باریز گشت بخاطر ایران هر یچ چند روز دست نیافته آلدستان دیده شده ام فرمایید ای ما زیاد است و با بیکری بعد از دیگری بخواجه نوری وسایر هدایای راه آزادی ایران بی بیونده .

ما سلیبه میخواستند و کفر مدعوا را لا اجناس ارائه تاز مدافین آزادی ایران هوشو زری کا نه گرد در ملی ما بنیواسیم قبول کنیم و چنین اقدامی را مقدمه صریح اختنای ایران میدانستیم با هوشی که در تاریخ مشروطیت اخیر سابقه ندارد و کتر مدعت نماینده واهی ایران را در میان اسامات بی نظیر خویش بجای بر گردانیدیم و جواب هدهار شکتی بخالفین دادیم .

آیا جبران روز یکشنبه ۱۳ اسفند مجلس که منجر بفرود گتر مدعت نایبه اول ایران از مجلس بخروج کردیم کافی برای چنین هکسلسلی بود که دم از معرکه میز بود ما را آلدست میخواند ؟

پارلیگمان دوهده حکراسی معالفت هسا بنا دولت ریات با طرفداری از مجلسی و اشل و اولد بل جیشوی بی جوش برمانتازید و با نوق عهده دشمن تروشن قرلوب فرود ما جوانان و دانشجویان زامعی دار سازید با یکدیگر از این نهادت بری و چنین نسبی و اتوبه ای هوش میایدیم . بنیابه اسامات با نوق آجا او کتیز اول آند که پرتوانه ، مرک ، واقع شونه بر کرتن بن سیاست ها بطور همک با ک اعمال با و در انکور سوت آزادی خواهانه



# کوہستان

## ما و ستاد ارتش

هفت گفتم اطلاع دادم که سرهتس پاندر فرمانده تپ سقر از این پست تغییر یافت. این اقدام ستاد ارتش موجب خوشنوی هشی که خود را تحت سایه فرمانده لشکر کردستان میبایدست حیاتی دست زده بود که موجب عدم رضایت و اعتراضات و وا فرامح ساخته بود. سوء استفاده های او در واقع جف و اردو کشی صدر شد و معاملات او با مردم بدستوری سرون خاکسار، زندانی نودن مردم بدون کوچک ترین مجوز قانونی، سانسور تلگراف و اشل آن نوه های از حیایتمشخانه او میباشد.

با اطلاعات کافی که ستاد ارتش از حلیات او دارد، محتاج نیست ما توفیق و چگونگی واقعه جاف را در اینجا ذکر کنیم و از اردو کشی برای هفاله صدر شد پیش از آن چه بحال گفته شد میبزی بگویم و جریان تلگرافی او که از سقر باضای اعلی برای تقدیر از حلیات و جافشها و از خود گذشتگی های او بظهران بخابره همد بیان نمائیم و با دلایل و مدارک ثابت کنیم که تحت فشار زبان مردم را باضاه وادافته اند و سرون خاکسار شیخ و جف تلگراف را برداشته است. ما از زندانی بودن بی جهت مردم فقط نهادهای ذی کرمی کنیم و آن زندانی کردن شیخ اینا سدی ما کن فریه کسی توان است که بی جهت سه و ماه و نیم در تپ سقر زندانی شده بدون اینکه معلوم باشد برای چو بدون اینکه تا بحال کوچکترین متوال از او شده باشد.

مادر باره حلیات پاندر مطالب بسیار داریم که دو موقع مقتضی پس از اینکه ستاد ارتش هم تحقیقات کافی تری نمود برای روشن شدن ادعای صریح درج خواهم نمود.

برکنار نبودن پاندر از فرماندهی تپ ستاد ارتش در این دو پست و اوضاع کردستان خسته و ما این عمل تیسار سرتلگر از نوع ویس ستاد ارتش و او که از اسرار با که امن، بی غرضی و اصلاح طلب هستند تقدیر بنمائیم.

انتصاب پاندر فرماندهی تپ کرمانشاه البته از لحاظ مصلحتی بود است که ستاد ارتش خود بهتر میداند و پتیا در آنجا این شخص ضرر نداشت به لجام کینشک خود اداه دهد زیرا آنجا دیگر مغز نیست که خیلی از امر کو در

باشد. آنجا دیگر منطقه سرحدی نیست که بتواند مردم را تحت فشار فرادهد. زحمت و سوء استفاده های او در کرمانشاه فقط منوجه سربازان بیچاره خواهد شد که بایض از خوراک و پوشاک محروم باشند.

ما از لحاظ حفظ مصالح کشور، با اطلاعاتی که از حیایات پاندر کسب کرده ایم میگویم صحت این شخص صلاحیت اجرای کوچکترین پستی را ندارد و اطمینان داریم طریقی خواهد کشید صحت همدما بر سرشاده ارتش هم روشن خواهد شد و از این بست هم برکنارش خواهند نمود تحقیق در اطراف حلیات او بسیار آسان است. اکنون که او از سقر برکنار شده مردم بدون ترس و راهه حلیایش را فرح فواهند داد. اجرام ظن فرار از سر بی غرض از اسرار با که امن تضایب جاف و غیره را کلا روشن خواهد ساخت، چونکه گذارش های او که جامع به منطقه سقر و همدما داده آسانی معلوم خواهد شد و ثابت خواهد شد که این گزارش ها روی چه نظر بانی بوده است.

اما انتصاب فرمانده تپ چلردک هفت گفته شد و عهده دادیم تا آنجا که تقدر رسیده از اوضاع فرمانده تپ جدید تحقیق نموده خواننده کان گرام را مطلع سازیم.

آقای سرهنگ نسته صرامی که پاندرماندی تپ سقر مین شده از انسانی است که بیآگاهی، بیجهت، بی غرضی و مردم داری شهرت دارد. البته انتظار ام از ستاد ارتش برای جانشین پاندر این بود که انسر برگزیده ای اجرام شود تا بر جراحی که حلیات پاندر مردم ایجاد کرده مرهی نبده. آنچه تا بحال تحقیق کرده ام این است که سرهنگ صرامی سابقه خدمت ووشنی در ارتش دارد. مشاغل و او که عهده دار بود: فرماندهی دست و گردان در سگ سوارسی دودرجه سروانی فرماندهی هتک سوار، ۲ اصلهان (درجه) هفت سال دو اصلهان ماموریت داشته، کرده ام هم که با پوچستان ۳ مدت ۳ سال فرماندهی هتک نوزده، ماموریت اداره سوار نظام و اخیراً در اداره بازرسی وزارت جنگ و مقام دایره بگم را عهده داز بوده است.

اکنونکه ایشان ب سقر مامور شده اند انتظار داریم سی نماینده این حسن شرت پارده بگم هم هلا بیوت برسد و مردم

ستند به این منطقه بیستده کیلتر یا کدامن و جدهای وی غرض هم در ارتش داریم و مخصوصاً سمنایند که آلت دست فرمانده لشکر لالی کردستان که مواشواجمی پاندر بود فرار کردند.

ما در نگارش این چند سطر هیچگونه نظر خاصی نداریم بلکه همانطور که روش نامه کوستان است میخواستیم از حقوق مسلم اشخاص دفاع کنیم. اگر میگویم پاندر و همدستش خاکسار مردمان بسد و مضرری هستند میباید که او بسن و ایس را ایس کرد هشته ولسی کرد بپودن آنان دلیل پشتیبانی ما از آنها نخواهد بود بلکه هر شخصی در هر مقامی که باشد اگر صالح بود مورد نرفت ماست و ما خواهیم کرد که دست او را از گریبان مردم کوتاه نموده سعی خواهیم کرد بکلی امالش برسد و یا دو موضوع زندانی بودن اشخاص ما میخواستیم معلوم شود فلان شخصی که زندانی شده برای چیست اگر مقص است تپیه شود و اگر بی تقصیر است زندانی کننده تپیه گردد.

در اینجا لازم میباید توجه ستاد ارتش را باین امر جلب نمائیم که تپیه برکردن نبودن سرهنگ پاندر از فرماندهی تپ سقر کافی نیست بلکه از لحاظ حفظ مصالح کشور لازم است از حلیات او تحقیقات بعمل بشود و بیرون تقصیر، شیخ و نغما با جنایات های که نموده بکفر داده شود و بایض باین اکتفا نود که او را از سقر بردارند و در کرمانشاه فرماندهی تپ بکارند.

با اطمینانی که به بی غرضی و بیپن برستی ویس ستاد ارتش داریم مستظرف ایشان در این باب جدیت خاصی مبول داریم.

**عید ملی نوروز را بعموم هم میهنان**  
**شاد باش میکوشیم و موفقیت عموم**  
**را در راه عظمت کشور از خداوند**  
**خواستاریم .**

**صاحب امتیاز و مدیر مسئول:**  
**دکتر اسمعیل اردلان**

**بهای اشتراك سالیانه ۳۰۰ ریال**  
**کشتار ۴ ریال**

مقالات وارده مسترد نمیشود و اداره روزنامه در دج یا حاک و املا آنها آزاد است

محل اداره: خیابان بیلوی کوش شماره ۱۰۲۴  
تلفن شماره ۸۵۳۹

اعانت مراجعه هر روز صبح باستانی ایام تعطیل  
از ساعت ۹ تا ۱۱:۲۲ باشد